



کتابخانه
تخصصی
ادبیات

پژوهشگر ارجمند

برخی از صفحات کتاب حاضر (شناسنامه، فهرست و تعداد کمی از صفحات آغازین کتاب) برای استفاده بهتر و آشنایی بیشتر شما با کتاب بارگذاری شده است.

بدیهی است به دلیل رعایت حقوق مولف و ناشر تمام صفحات کتاب در دسترس نخواهد بود.

והמשכילים יזהירו כזהר הרקיע ומצריקי

זהר על התורה

מהתנא האלהי

רבי שמעון בן יוחאי זלה"ה

חלק רביעי ספר במדבר

زُوهَر

کتاب روشنائی

گرشوم جی. شولم (انتخاب و ترجمه از متن آرامי به انگلیسی)

مترجم: هما شهرام بخت

פה ליורדנו יעא

שנת אתה תאיר נרי לפ"ק

בדפוס שלמה בילפורטי וחברו סי"ו

אמאמא, אמאמא, לא אום : אאאאא

הדפוס כוכבים לעולם ועד : גר עניי והביטח נפאא

הדפוס : ישב בסדר עאאן בעא ישב יאאאן :



به نام خدا

ناشر برگزیده

هفدهمین، بیستمین، بیست و دومین،

بیست و سومین و بیست و چهارمین

نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

زوهر

کتاب روشنایی

گرشوم جی. شولم

(انتخاب و ترجمه از متن آرامی به انگلیسی)

مترجم: هما شهرام‌بخت



۱۳۹۷

سرشناسه: شولم، گرشوم، ۱۸۹۷ - ۱۹۸۲ م. Scholem, Gershom
 عنوان و نام پدیدآور: زوهر: کتاب روشنائی / گرشوم جی. شولم؛ مترجم: هما شهرام‌بخت.
 مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: سی و چهار، ۱۵۳ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۴-۵۸۰-۲
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 عنوان قرارداد: زوهر، شرح Zohar, Commentaries
 موضوع: کتاب مقدس، اسفار پنجگانه -- تفسیر
 موضوع: Bible, Pentateuch -- Commentaries
 موضوع: زوهر -- نقد و تفسیر
 موضوع: Zohar -- Criticism, Interpretation, etc.
 موضوع: قبالة (عرفان یهودی) --- متون قدیمی تا ۱۸۰۰ م.
 موضوع: Cabala -- Early Works to 1800
 شناسه افزوده: شهرام‌بخت، هما، ۱۳۵۳-، مترجم
 شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
 Elmi - Farhangi Publishing Co. شناسه افزوده:
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۱۹۷۳ BM
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۶/۱۶
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۱۴۴۹

زوهر

کتاب روشنائی

گرشوم جی. شولم

(انتخاب و ترجمه از متن آرامی به انگلیسی)

مترجم: هما شهرام‌بخت

چاپ نخست: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لینتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.



انتشارات
علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۴۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن اداره مرکزی: ۸۸۷۷۴۵۶۹-۷۰؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن مرکز پخش: ۲۹ - ۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵ - ۸۸۶۷۷۵۴۴
 آدرس اینترنتی: www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir
 وبسایت فروش آنلاین: www.farhangishop.com

فروشگاه مرکزی (پرندۀ آبی): خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، کوچه گلفام، پلاک ۷۲؛ تلفن: ۳-۲۴۱۴۰۲۲۰

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
 فروشگاه دو: میدان هفت‌تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۷-۸۸۴۴۳۸۰۶

فروشگاه سه: خیابان کارگر شمالی، روبه‌روی پارک لاله، نیش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست مطالب

هفت	مقدمه مترجم
هفت	۱. سیر تاریخی زُهر
یازده	۲. تمثیل گرابی زُهر
نوزده	مقدمه

۱	برشیت (سفر پیدایش)
۱	آغاز
۲	جهان: پوسته و مغز
۳	نور نخستین
۵	آفرینش انسان
۸	زن و مرد
۱۲	آتش بلعنده
۱۵	رحلت
۱۶	سه لایه روح
۱۷	بالاترین مرتبه ایمان
۱۹	نیمه شب
۲۲	برکت یعقُوز (یعقوب نبی)
۲۴	بهتر از یوسف

۲۶	ضیافت باشکوه
۳۳	مرگْ يَعْقُوْ
۴۴	خاتمی بر دل
۴۹	شِمُوت (سفر خروج)
۴۹	ده سفیرُوت
۵۴	فرا تر از اعماق
۵۵	دو بعد
۵۵	شَبَات
۵۹	عاشقان تُوْرا
۶۳	سرنوشت روح
۶۶	مصائب کودکان بی گناه
۶۸	سه بعد روح
۶۹	با شادمانی به خداوند خدمت کردن
۷۱	ستاره ها
۷۴	شرح تمثیلی داستان یونا (یونس)
۷۹	اسفار قُهلِت (لاویان)، بَمیدبار (اعداد)، دِواریم (تثنیه)
۷۹	تبعید و رستگاری
۸۲	چگونه در محضر خداوند بودن
۸۴	سرودخوانی در آسمان
۸۵	جامعه مقدس
۸۶	عشق خداوند
۸۸	نرگس شارون
۸۸	درخت زندگی
۹۰	معنای پنهان تُوْرا
۹۳	پی نوشت ها
۱۴۵	مآخذ پی نوشت ها
۱۴۹	اصطلاحات عبری

مقدمه مترجم

۱. سیر تاریخی زُهر

واژه «زُهر» که نام بنیادی‌ترین کتاب ادبیات تفکر عرفانی قبالاست در کتاب مقدس و در رؤیای یِحزَقیل (حزقیال)، بخش هشتم و آیه دوم آمده و به معنای نور و روشنایی است. این اثر، خود، مجموعه‌ای از کتاب‌هایی است که تفاسیری بر جنبه‌های عرفانی تورا هستند. قبالی‌ها معتقدند که کلمات کتاب مقدس نه تنها دربردارنده پیامی الهی است که پیامی فراتر از آن را نیز نشان می‌دهد. تفسیر کتاب مقدسی زُهر شکلی رازورزانه از ادبیات حاخامی است و به زبان آرامی والا به نگارش درآمده است. زبان آرامی زبان دوره معبد دوم (۵۳۹ قبل از میلاد تا هفتاد میلادی) و زبان اصلی بخش‌های وسیعی از کتاب‌های دانیل (دانیال) و عزرا در کتاب مقدس و زبان اصلی تلمود بوده است. زُهر نخستین بار در اسپانیا پدیدار گردید، اما حقیقت این است که کتاب زُهر را یک عارف یهودی اسپانیایی به نام مُشه لئون^۱ به

۱. Moses de León: مُشه لئون در شهر لئون اسپانیا به دنیا آمد و نام خانوادگی او از پدرش (Shem-Tov de León) به او رسید. او بعدها به گوادالاخارا، دلدولید و آویلا نقل مکان کرد.

رشته تحریر در آورد. اینکه او نویسنده واقعی زوهر است بعدها اثبات شد، زیرا او در دوره‌ای که این کتاب را به منصه ظهور در آورد ادعا کرد صرفاً از کتاب کهن حاخام شیمعون بن یوحای، حاخام قرن دوم میلادی، رونویسی کرده است. بر طبق اساطیر یهود، حاخام شیمعون برای فرار از آزار و ایدای رومیان سیزده سال در غاری در یسرائل پنهان شد. در این مدت، او به مطالعه تورا اشتغال داشت و الیاهو (الیاس) زوهر را به او تعلیم داد.

پس از مرگ وی، این کتاب پنهان گشت و مطالب آن به طور محرمانه از استاد به شاگرد منتقل شد. گفته می‌شود که در همان دوران بود که این کتاب از یسرائل به کاتالونیا^۱ در شمال شرق اسپانیا فرستاده شد و سپس به دست مُشه لئونی، اهل گوآدالاخارا^۲، رسید. مُشه لئونی نیز بخش‌هایی از آن را رونویسی کرد و در اختیار عموم قرار داد.

اما چندی نگذشت که حقیقت آشکار شد. در سال ۱۳۰۵، شخصی به نام ییصحاق بن ساموئل^۳ به شهر تولدو^۴ رفت. او که اهل عکا^۵ در یسرائل بود از شنیدن وجود میدراش کهن، اثر حاخام شیمعون، حیرت کرد. زیرا کتاب شیمعون بن یوحای نیز احتمالاً در اسرائیل به نگارش درآمده بود و شخصی به نام مُشه لئونی از روی آن نسخه‌برداری و آن را پخش کرده بود. ییصحاق بن ساموئل بر آن شد که ناسخ کتاب را ببیند. پس مُشه لئونی را ملاقات کرد و مُشه لئونی او را به شهر خود، آویلا، دعوت کرد تا بلکه آن کتاب کهن را از نزدیک ببیند، اما وقتی آن دو از هم جدا شدند، مُشه در راه بازگشت به شهر خویش بیمار شد و درگذشت. ییصحاق با شنیدن این خبر بلافاصله به آویلا رفت تا درباره نویسنده این کتاب تحقیق کند، اما همسر مُشه لئونی در ملاقات با

1. Catalonia

2. Guadalajara

3. Issac son of Samuel

4. Toledo

5. Acre

او اعتراف کرد که نسخهٔ کهنی در کار نبوده و شوهرش خود نویسندهٔ اصلی آن میدراش کهن بوده است.

در هر صورت چندی نگذشت که این داستان از خاطرها فراموش شد و کتاب رُوهر به قلم شیمعون بن یوحای مقبولیتی عام یافت و در نیمهٔ قرن شانزدهم همپایهٔ کتاب مقدس و تلمود قرار گرفت و این عمومیت تا آنجا پیش رفت که یهودیان مشرق زمین برخی از ادعیهٔ آن را زمزمه می کردند.

وقتی خوانندهٔ مشتاق درمی یابد که رُوهر را فردی غیر از حاخام شیمعون بن یوحای تألیف کرده، دوست دارد به ماهیت نویسندهٔ حقیقی پی ببرد. حقیقت این است که به سختی می توان به واقعیت زندگی مُشه لئونی پی برد، اما آنچه دربارهٔ او آشکار است علاقهٔ او به فلسفه، ادبیات حاخامی و سپس عرفان قبالاست (همان طور که در مقدمهٔ شولم بر این کتاب نیز آمده، او در سال ۱۲۶۴ به مطالعهٔ فلسفه اشتغال داشت، زیرا در آن سال کتاب *دلالة الحائرین* ابن میمون «برای حاخام مُشه لئونی عالم رونویسی شد»).

اما در زمان مُشه لئونی قبالا به معنای علوم خفیه، عرفان و ادبیات عرفانی بود. در این زمان که اوج فراگیری قبالا در اسپانیا بود، او توانست با برخی از قبایلایی ها و کتاب باهیر^۱ آشنا شود.

بدین ترتیب او با مطالعهٔ کتاب باهیر تحت تأثیر واژه های ان سَوف^۲ و سفیرُوت قرار گرفت و آن ها را به طور وسیعی در اثر خود به کار برد و بدین شکل نگارش رُوهر و دیگر آثار خود را آغاز کرد. مُشه لئونی از سال ۱۲۸۶ تا هنگام مرگش در سال ۱۳۰۵ کتاب های دیگری را با نام خود و به زبان عبری به رشتهٔ تحریر درآورد.

رُوهر از بخش های گوناگون تشکیل شده است. مُشه لئونی میدراش *هَنعِلام* یا میدراش پنهان را که نخستین بخش رُوهر است به زبان های

آرامی و عبری تحریر کرد. این کتاب تفسیری بر بخش‌های تورا و کتاب روت است. مُشه لئونی، بین سال‌های ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۶، بخش‌های اصلی زُهر را تألیف کرد. این تألیف تفسیر عرفانی مغشوشی بر تورا بود که از شماری از آثار ادبی مجزا تشکیل شده بود.

وقتی زُهر در قرن شانزدهم برای اولین بار در ایتالیا چاپ شد، ناشران مجبور شدند، برای به دست آمدن متنی کامل، چندین نسخه خطی را با هم ادغام کنند.

زُهر اشخاص دیگری را نیز تحت تأثیر خود قرار داد و آن‌ها را بر آن داشت تا از این سبک نوشتاری تقلید کنند و میدراش‌های دیگری را تألیف نمایند. رَعیا مِهْمنا و تیقونه زُهر در پایان قرن سیزدهم یا اوایل قرن چهاردهم به رشته تحریر درآمدند و به بخشی از ادبیات زُهری تبدیل شدند.

به تدریج قدمت زُهر نزد همگان پذیرفته شد و در سال ۱۴۹۲ زُهر تبدیل به کتاب مقدس یهودیان و به‌خصوص قبالایان گردید. مُشه کوردورو^۱ یکی از قبالایی‌هایی بود که تفسیری بر زُهر نوشت و ییصحاق لوریا^۲ نظام نوین قبالا را که بر اساس بخش‌های خاصی از زُهر بود بسط داد.

با پیشرفت صنعت چاپ، زُهر در دسترس همگان قرار گرفت و توانست توجه مسیحیان را به خود جلب کند. در پایان قرن پانزدهم، پیکو دلا میراندولا^۳ و یوهان روشلین^۴ جذب قبالا شدند. آنان معتقد بودند که زُهر دربردارنده وحی الهی نخستین است و معنای پنهان آن با اسرار دین مسیحیت منطبق است. در نیمه نخستین قرن شانزدهم، گیوم پاستل^۵ زُهر را به لاتین ترجمه کرد.

1. Moses Cordovero

2. Issac Luria

3. Pico della Mirandola

4. Johannes Reuchlin

5. Guillaume Pastel

قبلاى مسیحى حاخامى ایتالیایی به نام لئون مودنا^۱ را بر آن داشت تا در سال ۱۶۳۹ ادعا کند که زوهر اثر شیمعون بن یوخای نیست و به دو یا سه قرن پیش تعلق دارد، اما نهضت شبتای صوی^۲ زوهر را تأیید کرد. در حالى که یَعْقُوْ عِمْدَن^۳ با چاپ اثرى بیان کرد که زوهر با داشتن اصلی کهن اثرى کهن نیست. کارِ عِمْدَن باعث تحقیق وسیع تر آدولف جَلینِک^۴ شد. او اثبات کرد اگر مُشه لئونی کل کتاب زوهر را تألیف نکرده، حداقل مؤلف بخشی از آن است.

با این پشتوانه، گرتس^۵ زوهر را «کتاب اکاذیب» نامید و ادعا کرد که خیال پردازی و تمثیلات آن یهودیان را نسبت به نور حقیقت مستدل کور کرده و مُشه لئونی جاعلى فریبکار است.

اما پژوهش گرشوم شولم نشان داد که قبلا جزء اساسى تفکر و تاریخ یهود است و مُشه لئونی نه یک جاعل که نویسنده‌ای خلاق بوده است. شولم بیان کرد که زوهر از مکتب نوافلاطونى یهودى قرون وسطا و مکتب گنوسى بسیار تأثیر پذیرفته است.

بعدها دانشجوى شولم، یِشعیا تیشبى^۶، تحقیق درباره زوهر را پیش برد. [۱]

در حال حاضر، دانیئل سى. مت^۷، به تشویق شولم، در حال ترجمه زوهر از منابع کهن و دست‌نوشته‌هاست و نهمین جلد از این کتاب را با تصحیحى انتقادی از آرامى به انگلیسى ترجمه کرده است. [۲]

۲. تمثیل گرایی زوهر

زوهر کتابی است که مردمان قرن‌ها بدان توجه کرده و آن را اثرى کهن و وحیانی دانسته و ادعیه آن را هر روز زمزمه کرده‌اند. با آنکه زوهر

1. Leone Modena

3. Jacob Emden

5. Heinrich Graetz

7. Daniel C. Matt

2. Shabbetai Zevi

4. Adolf Jellinek

6. Isaiah Tishby

به مسائلی همچون عرفان، ذات الوهیت، ساختار جهان، ذات و اصل روح، رستگاری و رابطه بین نفس با تاریکی پرداخته است، اساس کار آن تفسیر ثوراست. پس این مقدمه به شیوه و نوع تفسیری می‌پردازد که زوهر از ثورداشته است. [۳] باید توجه داشت که مُشه لثونی در تحریر زوهر، تلمود و میدراش‌های کهن را پیش روی خود داشته و در عین حال به جریانات عرفانی و گنوسی دوره خود نیز گوشه چشمی داشته است. از این رو حاصل کار او اثری است که به منظور تفسیر ثور از تمامی روش‌های کهن و معاصر خود استفاده کرده است. لثونی برای این کار چهار سطح معنایی یا تأویلی در نظر گرفت که اصطلاحاً به آن پردس^۱ گفته می‌شود. پردس حروف نخستین چهار کلمه پشاط (۵۷۷۵) (تفسیر ادبی)، رمز (۱۲۷۶) (معنای استعاری)، داراش {درش} (۷۶۶) (معنای تلمودی و آگادایی) و سود (۶۱۵) (معنای درونی و باطنی) است. زوهر این شکل اقتباسی را از فرقه اسماعیلیه که برای تأویل و تفسیر قرآن دو جنبه ظاهری و باطنی قائل بودند اخذ کرده و نویسنده زوهر این دو سطح را به چهار سطح معنایی فوق بسط داده است. [۴] بدین ترتیب زوهر از صنایع بدیعی همچون تشبیه، استعاره، تمثیل، صنایع کلامی و تصویرپردازی بسیار استفاده کرده و مقصود خود را در قالب‌های ادبی داستان، مکالمه، شخصیت‌پردازی و زاویه دید به تصویر کشیده است، اما آنچه در ذیل می‌آید صرفاً اشاره به برخی معناهای استعاری و تلمودی است.

مهم‌ترین روشی که زوهر بسیار از آن استفاده می‌کند رمز یا روش استعاری است. در این روش است که به ان سُوف (۶۱۵) و ده سفیروت (۵۵۱۶) (جمع سفیرا) (۵۵۱۶) اشاره شده و ثورادر سایه آن‌ها تفسیر شده است. ان سُوف واژه‌ای برای خداوند و به معنای لایتناهی است. این واژه در عبری به معنای بی‌پایان است و از ان سُوف است که خلقت سفیروت آغاز می‌گردد. سفیروت از نمادهایی تشکیل شده

است که اساس و جوهر قبلا را تشکیل می دهند و نشان دهنده راز خلقت و رابطه آن با خداوند هستند. سفیروت اغلب به صورت انسان اولیه (آدم قدمون) یا درخت کیهانی به تصویر درمی آید که از پایین و از ریشه هایش به سوی بالا رشد می کند. آن ها نمادهایی هستند که نباید به صورت تحت اللفظی معنا شوند و نماد نیز هیچ گاه به این صورت معنا نمی شود. بررسی سفیروت از بالا به پایین راز چگونگی خلقت را به نمایش درمی آورد. واژه سفیروت اساساً به معنای اعداد یا قوای عددی است و مراحل گوناگون تجلی و ظهور امر الهی است که در ادامه هم هستند و یکدیگر را تکمیل می کنند. [۵] *ان شوف* و سفیروت در ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر هستند. از این روست که قبلا بیان بر آن اند که *ان شوف* و سفیروت «همانند شعله ای که به ذغال وابسته است» با هم یکی هستند و تفرقی بین آن ها وجود ندارد. در واقع، *ان شوف* و ده سفیروت یکی هستند و در نهایت آنچه می ماند حقیقت لایتنهای *ان شوف* است.

نخستین سفیرا *کتر* (تاج) (*כתר*) نام دارد و همانند *ان شوف* لایتنهای است. [۶] *کتر* بیانگر آن جنبه از الوهیت است که روی به سوی تجلی دارد و در عین حال هیچ تفرد و تشخیصی ندارد. تمام تجلیات از این سفیرا جریان می یابد. از این رو می توان گفت که *حُخما* (حکمت) (*חכמה*) که دومین سفیراست نقطه اولیه ای است که از *کتر* می درخشد. از آنجا که *کتر* جاودان است و آغازی ندارد، *حُخما* آغاز نامیده می شود. این سفیرا واسطه بین وجود و لاوجود است و به صورت یک دایره گسترده می شود و در اطراف خود قصری می سازد که سفیرای بینا (بصیرت، عقل) (*בין*) نام دارد. از این سفیرا که رحم و مادر الهی نامیده می شود، جویبارهایی جریان می یابند که سفیراهای بعدی هستند. در واقع، بینا از *حُخما* باردار می شود و هفت سفیروت پایینی را به دنیا می آورد. همچنین گفته می شود که بینا ریشه های درختی است که به وسیله حکمت (*حُخما*) آبیاری می شود و هفت سفیروت بعدی به

صورت شاخه از آن جوانه می‌زنند. [۷] آن منشأ و منبع تمام موجودات خلق شده است. شکل قرار گرفتن این ده سفیروت به صورت انسان یا درختی سر و ته است. سه سفیروت بالایی سر جسم الهی هستند. بینا حِسَد (סח) و دین (יב) را به دنیا می‌آورد. حِسَد به معنای عشق و دین به معنای قضاوت است. آن‌ها گِدوولا (עظمت) (גדול) و گِوورا (قدرت) (גבורה) نیز نامیده می‌شوند. آن‌ها بازوان راست و چپ خداوند هستند. گوورا، دین، نمادی برای ییصحاق و قضاوت سخت و حِسَد، گِدوولا، نمادی برای اُوراهام و عشق است. از این روست که وجود هر دوی آن‌ها برای برقرار ماندن دنیا لازم است؛ در غیر این صورت، سیترا احراً (סתר אחר) دنیا را نابود خواهد کرد. در عین حال این (تِفִיֶרֶת) (תפארת) (زیبایی) یا رַח میم (شفقت) (רחמים) است که توازن و هماهنگی را در دنیا به وجود می‌آورد. او تنه درخت سفیروتی است و بهشت نامیده می‌شود. تِفִיֶרֶת پسر חُخما و بیناست. نِصֵח (شکیبایی) (נצח) و هُد (جلال) (הוד) شاخه‌های راست و چپ این درخت هستند و منبع پیشگویی و وحی‌اند. یِسُود (יֵסוד) یا یِسُود عَلام (شالوده دنیا) (יֵסוד עולם) نهمین سفیراست و نمادی برای زاینده‌گی. از قرن سیزدهم، سفیرای جدیدی به نام دַעַת (دانش) (דעת) به وجود آمد که بین دو سفیروت بینا و حُخما قرار می‌گیرد و جنبه بیرونی کِتر را نشان می‌دهد. آیه یازدهم از سوره ییست‌ونهم دیوره هیامیم آلف (کتاب اول تواریخ ایام) به این ترتیب به سفیروت اشاره دارد: «وای خداوند، عظمت و جبروت و جلال و قوت بخشیدن به همه کس در دست تو است...» [۸] یِسُود، همچنین، محور جهان و ستون الهی است و نور و قدرت سفیرهای قبل از طریق او به ملخوت (شهریاری) (מלכות)، می‌رسد. شَخینا (שכינה) آخرین سفیراست و حضور الهی نامیده می‌شود. عمل پرهیزکارانه باعث پیوند شَخینا با تِفִיֶרֶת می‌شود. شَخینا دختر بینا و عروس تِفִיֶרֶت است. ازدواج این دو باعث به وجود

آمدن ارواح آدمی می‌شود. شخینا نگاه‌دارنده دنیای مادی است و گناه آدمی باعث تبعید و دوری او از تیغِرت می‌گردد. [۹]

آنچه به صورت موجز در شرح درخت سفیروتی آمد بیانگر نمادگرایی زُهر و قبالیان در توصیف جهان و مراحل آفرینش است، زیرا حتی اسامی سفیروت ساختاری نمادین دارند و هر کدام با یکی از کلمات کتاب مقدس منطبق‌اند، اما باید توجه داشت که زُهر به ندرت از سفیروت و درخت سفیروتی نام می‌برد و در عوض برای تبیین نظام سفیروتی به مواردی همچون نور، سطوح، بسط‌ها، ریشه‌ها، جامه‌ها و پادشاه و تاج‌های پادشاه، ملکه، انوار، قدرت، روزهای نهایی یا ابتدایی، و وجه‌های درونی خداوند اشاره می‌کند. [۱۰]

بخش آغازین مجلد حاضر با ظهورِ ان سوُف و تجلی سفیروت آغاز می‌گردد. ان سوُف همان شعله تیره‌ای است که از آن رنگ‌های مختلف جریان می‌یابد. زُهر در بخش «ده سفیروت» به تمثیل از کارکرد دیهیم (کِتر) سخن می‌گوید و ده سفیروت را در قالب دریا، ظرف، حوضچه، مجرا و لوله توضیح می‌دهد و نام‌های آن‌ها را برمی‌شمرد: «علت العلل {آب} دریا را به هفت ظرف ارزشمند هدایت می‌کند و آن‌ها را شکوه، قدرت، جلال، ظفر، عظمت، شالوده و اقتدار می‌نامد». در اینجا است که به یسود اشاره می‌کند و آن را ستون عالم می‌نامد و این آیه از تورا را مبنایی برای ده سفیروت می‌داند: «مرد عادل بنیاد جاودانی است» (میشله (امثال سلیمان) ۱۰:۲۵).

در فصل «خاتمی بردل» از بسط‌ها سخن می‌گوید و اشاره به پیوندهای سفیروتی دارد. زُهر در بخش «عاشقان تورا» و «معنای پنهان تورا» باز هم از استعاره استفاده می‌کند. در این استعاره، تورا دوشیزه‌ای است که روی خود را به تدریج بر عاشق نمایان می‌سازد و صرفاً بیان‌کننده مسائل روزمره نیست و بواطنی دارد. «تورانیز درونی‌ترین اسرارش را برای کسانی آشکار می‌کند که عاشق او باشند». حتی تورا کتابی است که معنای ظاهری آن

منظور نظر نیست و معنایی ژرف تر را مد نظر دارد: «وای بر کسی که تورا را کتابی بداند که صرفاً روایات و مسائل روزمره را مطرح می کند».

زوهر با همین رویکرد به شرح تمثیلی داستان یونا پرداخته و در این راستا اساطیر و نمادهای یهودی را نیز در سایه استعاره معنا کرده است. در این بخش، داستان در شکم ماهی شدن یونا تمثیلی برای آدمی و روح او در این دنیا تصور شده است. وارد شدن یونا به کشتی، ورود روح آدمی به جسم است و اتفاقاتی که برای او می افتد حوادثی است که روح با آن دست و پنجه نرم می کند.

نمادهای گنوسی استعاره های دیگری هستند که در داستان های زوهر نمود پیدا کرده اند. نماد پادشاه و ملکه، که معنای دو سفیرت تیغیرت و شخینا نیز هستند، و پسر آنها در زوهر بسیار تکرار شده اند. زوهر در بخش «تبعید و رستگاری» از تمثیل پادشاه و ملکه سود می برد: «تصور کن پادشاهی، به خاطر دلگیری ای که از ملکه اش پیدا کرده، او را برای مدت زمانی از قصر بیرون کند و ملکه پس از سپری شدن آن مدت زمان بلافاصله به سوی پادشاه باز گردد»، و در بخش «خاتمی بر دل» به نمادهای پادشاه، ملکه و پسر پادشاه در قالب تمثیل اشاره می کند: «پادشاهی پسری دارد. او پسرش را به روستایی می فرستد که در آنجا تحصیل کند و باره و رسم زندگی در قصر آشنا گردد. {پس از چندی،} پادشاه مطلع می شود که پسرش بزرگ شده {و وقت آن است که به قصر باز گردد}. پادشاه، از فرط علاقه ای که به پسرش دارد، بانو {ی قصر}، مادرش را برای بازگرداندن او می فرستد».

دو عنصر خیر و شریکی دیگر از نمادهای گنوسی هستند که زوهر در سایه تمثیل بدان ها پرداخته است. این کتاب در قالب تمثیل و استعاره برای این دو عنصر جانمندانگاری قائل شده و شخینا و لیلیت را نمادی برای آنها دانسته است.

از دید قبلایان، شخینا آخرین سفیر است و رابط بین الهیت و

انسان. دوری شخینا از تیفثرت باعث به وجود آمدن بعد تاریکی یا شر می شود که در یهودیت به سیترا احرا موسوم است. بعد روشنایی دربردارنده شخینا و یهوه است و بعد تاریکی از شیاطین تشکیل شده است که لیلیت و سمائل به وجود آورنده آن هستند. مُشه لئون، در بخش «جهان: پوسته و مغز»، با اشاره به کتاب قَهْلِت (جامعه)، به شر و بُعد تاریکی اشاره کرده است «و سرور و شادمانی بنی آدم از شیاطین مرد و زن است» [قَهْلِت (کتاب جامعه) ۲:۸]. [۱۱] در نظر او، جن و شیاطین به بعد شر و بدی اختصاص دارند.

تفسیر تلمودی یکی دیگر از چهار سطح معنایی است که در ژوهر بدان پرداخته شده است. مُشه لئون در نوشتن ژوهر سعی داشته اثری همانند تلمود و میدراش ها بیافریند. از این روست که ساختار ظاهری ژوهر به گونه ای است که به ادبیات حاخامی نزدیک است. این جملات یا ساخته و پرداخته ذهن لئون بوده اند و یا ارجاعاتی مستقیم به میدراش های کهن اند. به عنوان مثال، در این مجلد و در بخش «سرنوشت روح»، وقتی خداوند از روح می خواهد وارد بدن شود، روح با اکراه می پذیرد. این بخش از ژوهر در کتاب تواریخ ایام یَرَحْمِیل^۱ با تفصیل بیشتری تکرار شده است. در بخش «ضیافت باشکوه» و هنگام توصیف مفارقت روح از بدن بیان می گردد که در بهشت به روح جامه ای عطا می شود و روح با شادمانی آن را در بر می کند. این بخش نیز در کتاب تواریخ ایام یَرَحْمِیل با کمی تغییرات بیان شده است. [۱۲] کتاب تواریخ ایام یَرَحْمِیل کتابی است که در قرن چهاردهم به رشته تحریر درآمده است. گستر^۲ در سال ۱۸۹۹ این کتاب را از آرامی به انگلیسی ترجمه کرد و در مقدمه مفصل این کتاب اصل و منشأ آن را به قرون پیش تر نسبت داد. گستر بر این باور بود که این کتاب، همانند سفرهای اشار^۳، از

1. Chronicles of Jerahmeel

2. Moses Gaster

3. Sefer haYashar

منابع کتاب ایزیدور سویل^۱، عالم و قدیس قرن ششم و هفتم میلادی، استفاده کرده است. [۱۳] از آنجا که بر طبق گفته شولم، سفرها یاشار یکی از منابع مُشه لئونی بوده است [۱۴]، دور از ذهن نیست که لئونی از کتاب تواریخ ایام یَزَحْمِل و یا میدراش‌هایی استفاده کرده باشد که بن‌مایه‌هایی مشترک با این کتاب داشته‌اند.

آنچه گفته شده صرفاً اشاره‌ای است به نوع استعاره‌هایی که مُشه لئونی و نویسندگان بعدی او در خلق زوهر از آن استفاده کردند. تحقیق جامع‌تر مجال بیشتری می‌طلبد و زوهر در مقام کتابی ادبی و ملهم این مجال را به هر آن کس که خواستار چنین تحقیقی باشد می‌دهد. به رغم آنکه شولم، در ترجمه این کتاب، خواننده را در دریافت معنای عبارات آزاد گذاشته، مترجم کنونی لازم دید دربارۀ برخی عبارات زوهر در مقام متنی که قرن‌ها تفکر و تتبع را در خود حفظ کرده است شروح مختصری بنگارد. با این کار، او بر آن بود که جایگاه زوهر در نزد پژوهشگرانی که با این متن آشنا هستند و کسانی که فقط نامی از این اثر سترگ شنیده‌اند بیش از پیش آشکار شود. مترجم با خشنودی پذیرای نظرات و پیشنهاداتی است که می‌تواند کاستی‌های این اثر را مرتفع سازد و در ترجمه مجلدات دیگر از زوهر مؤثر باشد.

نوشته‌های داخل آکولاد، پی‌نوشت‌ها، منابع و افزودن کلمات و اصطلاحات عبری همه از مترجم حاضر است. پی‌نوشت‌های شولم به صورت پاورقی در هر صفحه آورده شده است. همچنین در ترجمه‌های آیات کتاب مقدس از ترجمه تفسیری کتاب مقدس استفاده شده است. در اینجا مایلیم از خواهرم تشکر کنم که اگر پیگیری‌های بی‌شائبه او نبود، ترجمه این کتاب هرگز به منصه ظهور نمی‌رسید. همچنین از استاد عزیزم جناب دکتر سالکی که ترجمه این کتاب را به من پیشنهاد دادند، از کلیه دست‌اندرکاران انتشارات علمی و فرهنگی نیز کمال تشکر را دارم.

1. Isidore of Seville (560 - 636)